



## ۹۱ سال از خاموشی سیمین دانشور می‌گذرد جای خالی خالق زری!

موقعیتی که در آن قرار دارد نیز در نامه‌ها نوشته و جغرافیا در نامه‌ها بازتاب دارد.

«از دانشگاه استنفورد، روبه‌روی کلیسا و بر روی نیمکت سینه‌کش آفتاب نشسته. جلال نازنینم، مدت‌هاست برای شعر ننوشته‌ام و حالا می‌نویسم؛

ای مایه خوبی و نیکنامی

روزم ندهد بی‌تو روشنایی.»

سیمین دانشور از جمله نویسندگانی بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دیدار امام خمینی (ره) رفته و روایتش از این دیدار را این‌گونه نوشته است: «من، حضرت خمینی رهبر انقلاب مردم ایران را کلمه الحق می‌دانم. مردی می‌دانم که با کلام و کتاب به میدان آمده و با چنین سلاحی بر چنان زرادخانه کم نظیری مستولی گردیده و کاری کرده است کس نکرد و کارشان. مردی می‌دانم مظهر تاریخی نو، فضایی نو و اخلاقی نو، مردی که الهامات خود را باور دارد و ایمانش به یقین پیوسته است و احتمالا دعای نیمه‌شبان امام به تعبدش چنین بوده است که ای ایمان یقین را به من ارزانی دار... و دعایش مستجاب گشته و چنین است که این‌گونه بر خود مسلط و برخوردار از اعتماد به نفس است و چنین مردی بارها و بارها گفته است که مسؤول نسل آینده است و آرزویش نظام حکومتی است اسلامی و ایرانی که حافظ استقلال و دموکراسی باشد.» دیداری که روی سیمین تاثیر بسیار داشته تا جایی که خطاب به شمس آل احمد (برادر جلال) نیز جملاتی حاکی از عمق ارادتش بیان داشته: «در آن جلسه امام به خانم سیمین دانشور عنایت کرده بودند و چند کلمه هم با ایشان صحبت می‌کنند. در آن روزها به آنهایی که خدمت امام رفتند حسودیم می‌شود و خانم دانشور هم به من پُز می‌داد که من رفتم امام را دیدم و شما ندیدید!»

سیمین دانشور نماد زن مستقل ایرانی در عرصه ادبیات است که هرچند همراهی با جلال در این شکل‌گیری بی‌تاثیر نبوده ولی دانشور خود نیز چنین استعدادی داشته و آموزش داستان‌نویسی او در سال‌های دهه ۳۰ در آمریکا این استعداد را در او شعله‌ور کرد و زمینه رشد و استقلال او را فراهم کرد. کتاب «جزیره سرگردانی» نام اولین جلد از یک سه‌گانه از سیمین است که در آن به اوضاع روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی پرداخته و نمایی از زیست و زمانه آنها را در داستانش بازتاب داده است. این کتاب به ماجرای هویت و سردرگمی‌های تاریخی جامعه ایرانی می‌پردازد. این اثر با وجود مضمونی که دنبال می‌کند آن‌طور که باید دیده نشده است.

سیمین دانشور در حالی در ۹۰ سالگی بدرود حیات گفت که کارنامه پرپاری از خود به یادگار گذاشت و توانست بر نویسندگان بعد از خود تاثیری به جای بگذارد.

یک دهه‌نشدۀ از روزی که سیمین خانم چشم از این دنیا فروبست تا محرم رازهای جلال داستان ایران برای همیشه از میان برود.

۱۸ اسفند ۱۳۹۰ او بعد از درگیری با بیماری آنفلوآنزا در تهران چشم از جهان فروبست تا برای همیشه بانوی قصه ایرانی خاموش شده باشد.

این روزها خانه‌موزه جلال و سیمین و آثار سیمین دانشور در دسترس است و می‌توان با آنها به دنیای سیمین دانشور سرک کشید. احتمالا اغلب او را با «سووشون» به یاد بیاورند و این اثر مشهور او را خوانده باشند. اثری که بیش از نیم‌قرن از انتشار آن می‌گذرد، کتابی که پس از مرگ جلال آل احمد توسط نشر خوارزمی منتشر و به بیش از ۱۷ زبان در دنیا ترجمه شده است. اثری که مخاطب فارسی‌زبان نیز با آن یاد نویسنده‌اش را در ذهنش زنده نگه می‌دارد. اگر قرار باشد درباره این رمان حرف بزنیم باید بگوییم این رمان یکی از نمونه‌های اولیه و موفق داستان زنان ایران است. داستانی که در روزگار جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد و زنی به نام زری، راوی قصه شیرازی است که زیر چکمه‌های سربازان انگلیسی تسخیر شده و با کمبود غذا روبه‌روست. قصه از جایی آغاز می‌شود که همسر زری در برابر درخواست انگلیس‌ها در فروش غله برای تامین غذای سربازان و قشون انگلستان مقاومت می‌کند...

این رمان خاطره‌انگیزترین و خواننده‌شده‌ترین اثر سیمین دانشور است که بارها تجدید چاپ شده و مخاطب ایرانی به خوبی آن را می‌شناسد. نویسنده هم قصه می‌گوید و هم شرایط اجتماعی و سیاسی روزگارش را در داستانش بازتاب داده و این ویژگی اثر دانشور سبب شده که مخاطب در هر دوره‌ای با آن ارتباط برقرار کند.

اما دانشور و جلال را در کتاب دیگری که بهتر می‌توان به تماشا نشست «نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد» است. کتابی که در آن می‌توان چهره عاشق و معشوق سیمین و جلال را به خوبی در آن دید و به راز تنهایی سیمین دانشور بعد از درگذشت همسرش پی برد. این کتاب که در سه دفتر و چهار مجلد منتشر شده نامه‌های سیمین و جلال را از روزهای دوری این دو نویسنده تا روزهایی دیگر در زندگی کوتاهشان در خود جا داده و سندی است بر رابطه میان جلال و سیمین و نشان می‌دهد این رابطه یک رابطه دو سویه بوده و حرارتی عمیق در آن جریان داشته است. نامه‌هایی که می‌توان با این نگاه که مشغول خوانش سفرنامه هستیم خوانده شود، زیرا که در سفر نوشته شده‌اند و نگارنده نامه تا حدودی از احوالات



حسام آفنوس

دبیر قفسه کتاب



سیمین دانشور نماد  
زن مستقل ایرانی در  
عرصه ادبیات است که  
هرچند همراهی با جلال  
در این شکل‌گیری  
بی‌تاثیر نبوده ولی  
دانشور خود نیز  
چنین استعدادی  
داشته است



## حس خوب رهایی...

تخیل چیز عجیبی است. می‌تواند در کنار مهارت، داستانی خلق کند که مهم‌ترین وقایع قرن بیستم را با طنزی گزنده پیش‌روی

مرتضی صالح‌آبادی

نویسنده

خواننده‌اش قرار داده و نشان دهد زندگی با ماجراجویی چقدر جذاب‌تر می‌شود. البته وقتی کتاب «مرد صد ساله‌ای که از پنجره فرار کرد و ناپدید شد» توسط پنج ناشر اولیه پذیرفته نشد شاید کسی فکرش را نمی‌کرد این رمان یوناس یوناسون سوئدی بالاخره یک‌سال بعد از چاپ به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بازار فرهنگی اروپا تبدیل شود و مترجمان زیادی در نقاط مختلف دنیا به سراغش بروند. یوناسون، بخش بزرگی از اتفاقاتی که تاریخ مدرن جهان را شکل یا تغییر داده‌اند با تردستی هنرمندانه‌ای به ماجراهایی شگفت‌انگیز و پر از پیچ و خم تبدیل کرده‌است.

داستان از روز تولد صدسالگی شخصیت بامزه‌ای به نام آلن کارلسن در خانه سالمندان و در یکی از شهرهای کوچک سوئد آغاز می‌شود. او با ظاهری آرام در اتاقش نشسته و منتظر جشنی است که گویا دوست ندارد آغاز شود، چراکه آلن هنوز اعتقاد دارد در کمال سلامت و شادابی است و باید رها باشد، بنابراین در آستانه برگزاری جشن تولد صدسالگی خود که توسط مسؤولان شهرداری و مدیران خانه سالمندان برگزار می‌شود، تصمیم به فرار می‌گیرد و این فرار آغاز ماجراجویی‌های او می‌شود. سفری با همراهی چند تبهکار، چند احمق، چمدانی پر از اسکناس، چند قتل و پلیسی که به گرد پای آنها نمی‌رسد! همزمان با پیشروی داستان، دریچه‌هایی به زندگی آلن در صدسال گذشته باز می‌شود و مخاطب از رهگذر این دریچه‌ها با سرگذشت باورنکردنی و جذاب او آشنا می‌شود.

آلن کارلسون را می‌توان یک ضدقهرمان جذاب و پرشور نامید. مردی با یک سابقه مبهم تحصیلی که در یکی از شهرهای کوچک و گمنام سوئد بزرگ شده است و به طرز عجیبی در رخداد‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور دارد. از جنگ اتمی بین آمریکا و شوروی تا زندانی شدن در ایران آن هم در دوره حکومت پهلوی. از نجات دادن جان ژنرال فرانکو تا جلسه گذاشتن و ملاقات با سیاستمدارانی نظیر استالین، ریچارد نیکسون، مائوتسه،

کیم ایل سونگ و پسر ۱۱ ساله‌اش کیم جونگ! جالب است بدانید نویسنده اثر در مصاحبه‌ای عنوان کرده همیشه دوست داشته خودش نیز مثل شخصیت تخیلی داستانش، زندگی‌اش را از بیخ و بن تغییر دهد و البته با کنار گذاشتن همه چیز و رفتن به یک گوشه دنج و دست به قلم شدن تاحدودی هم در این کار موفق بوده‌است. در سال ۲۰۱۳ هم فیلمی توسط یک کارگردان سوئدی، براساس این کتاب و با همین نام ساخته شده که شاید به اندازه کتاب قدرتمند نباشد اما سرگرم‌کننده است.